





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه و حکمت اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان :

علت فاعلی و غایی در فلسفه ارسطو و ابن سینا

استاد راهنما :

دکتر مهدی نجفی افرا

استاد مشاور :

دکتر انشاءاله رحمتی

پژوهشگر :

سعید فریدونی

تابستان ۱۳۹۱

تقدیم به:

روح پاک پدرم

و به وجود مهربان مادرم

و به همه کسانی که دوستار داناییند

تشکر و قدر دانی:

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر مهدی نجفی افرا که با زحمات بی دریغ و راهنمایی های ارزنده شان، اینجانب را در به پایان رساندن این رساله یاری نمودند.

و با تشکر فراوان از جناب آقای دکتر انشاءالله رحمتی که مشاوره این پایان نامه را به عهده داشتند.

و با تشکر و قدر دانی از زحمات جناب آقای دکتر محمدکاظم رضازاده جودی که داوری این پایان نامه را عهده دار بودند.

همچنین با تشکر از خواهر گرامیم، خانم کبری فریدونی که در پاک نویسی مطالب، اینجانب را یاری کردند.

بسمه تعالی

تمهید نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجناب سعید فریدونی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۸۰۶۴۹۵۹۶۰۰ در رشته فلسفه و حکمت اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۰ از پایان نامه خود تحت عنوان: علت فاعلی و غایی در فلسفه ارسطو و ابن سینا با کسب نمره ۱۸ و درجه عالی دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: سعید فریدونی

تاریخ و امضاء:
۱۳۹۱/۴/۲۰

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۰

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای سعید فریدونی از پایان نامه

خود دفاع نموده و با نمره ۱۸/۱ بحروف **هجیره تمام** و با

درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۲	(۱-۱) بیان مسئله
۳	(۱-۲) هدف تحقیق
۳	(۳-۱) ضرورت و اهمیت بحث
۶	(۴-۱) سوالات و فرضیه های تحقیق
۶	(۵-۱) متغیر ها و واژه های کلیدی
۷	(۶-۱) روش تحقیق
۷	(۷-۱) محدودیت ها و مشکلات تحقیق
۷	(۸-۱) تاریخچه بحث از علیّت
۱۳	(۹-۱) معنای ماهیت
۱۵	(۱۰-۱) شیئیت
۱۶	(۱۱-۱) وجود خاص
۱۷	(۱۲-۱) تعریف علت و معلول
۲۰	(۱۳-۱) اقسام علت

فصل دوم: علیت در فلسفه ارسطو

۲۴	(۱-۲) مختصری از زندگینامه ارسطو
۲۵	(۲-۲) فلسفه ارسطو
۳۰	(۳-۲) علل اربعه
۳۷	(۴-۲) اقسام علل
۴۰	(۵-۲) تحویل علل
۴۳	(۶-۲) تناهی سلسله علل

فصل سوم: علت فاعلی در فلسفه ارسطو

۴۸	(۱-۳) اهمیت علت فاعلی
۴۹	(۲-۳) تعریف علت فاعلی

۵۲.....	(۳-۳) تناهی علل فاعلی
۵۳.....	(۴-۳) محرک نامتحرک
۵۸.....	(۵-۳) نحوه فاعلیّت خداوند

فصل چهارم: علت غایی در فلسفه ارسطو

۶۴.....	(۱-۴) اهمیت علت غایی
۶۶.....	(۲-۴) تعریف علت غایی
۶۷.....	(۳-۴) تنای علل غایی
۶۹.....	(۴-۴) غایت انگاری ارسطو
۷۸.....	(۵-۴) مناسبات بین علل

فصل پنجم: علّیت در فلسفه ابن سینا

۸۳.....	(۱-۵) مختصری از زندگی نامه ابن سینا
۸۶.....	(۲-۵) فلسفه ابن سینا
۹۱.....	(۳-۵) علل اربعه
۹۸.....	(۴-۵) اقسام علل
۱۰۲.....	(۵-۵) اقسام معلول
۱۰۳.....	(۶-۵) علت مادی
۱۰۷.....	(۷-۵) علت صوری
۱۱۰.....	(۸-۵) تناهی سلسله علل

فصل ششم: علت فاعلی در فلسفه ابن سینا

۱۱۸.....	(۱-۶) تعریف علت فاعلی
۱۲۲.....	(۲-۶) اقسام علت فاعلی
۱۲۳.....	(۳-۶) اقسام فاعل
۱۲۶.....	(۴-۶) تناهی سلسله علت های فاعلی
۱۲۸.....	(۵-۶) تحویل علل
۱۳۱.....	(۶-۶) نحوه فاعلیّت خداوند

فصل هفتم : علت غایی در فلسفه ابن سینا

- ۱۳۹..... اهمیت علت غایی (۱-۷)
- ۱۴۰..... تعریف علت غایی (۲-۷)
- ۱۴۴..... غایت یا علت غایی (۳-۷)
- ۱۴۴..... اقسام غایت (۴-۷)
- ۱۴۹..... تناهی سلسله غایات (۵-۷)
- ۱۵۰..... اشکالات پیرامون علت غایی (۶-۷)
- ۱۶۰..... غایت انگاری (۷-۷)
- ۱۶۴..... مناسبات بین علل فاعلی و غایی (۸-۷)

فصل هشتم: مقایسه و نتیجه گیری

- ۱۷۲..... مقایسه علل اربعه در فلسفه ارسطو و ابن سینا (۱-۸)
- ۱۸۱..... مقایسه علت فاعلی در فلسفه ارسطو و ابن سینا (۲-۸)
- ۱۸۸..... مقایسه علت غایی در فلسفه ارسطو و ابن سینا (۳ - ۸)
- ۱۹۷..... منابع

چکیده انگلیسی

چکیده

اصل علیّت و فروع آن از مسائلی است که از دیر باز تا کنون ذهن بسیاری از فلاسفه و دانشمندان را به خود مشغول داشته است. همه تلاش های علمی و عقلی بشر در سایه اصل علیّت صورت گرفته است به طوری که بدون پذیرش آن نمی توان هیچ قاعده کلی و عقلی را به اثبات رساند. منکران اصل علیّت علاوه بر اینکه با طرد اصل علیّت در دام شکاکیت مطلق گرفتار شده اند، مجبور شده اند برای دفاع از ادعاهای خود به طور ضمنی و تلویحی این اصل را بپذیرند.

در میان مسائل اصل علیّت، مسائل دو علت فاعلی و غایی از اهمیت بالایی برخوردار هستند. این دو علت اهمیت ویژه ای در تبیین نظام علی و معلولی جهان دارند به طوری که نادیده انگاشتن یا کم اهمیت جلوه دادن آن ها، باعث تزلزل و نابودی اصل علیّت خواهد شد. دو علت فاعلی و غایی در پیدایش هر پدیده ای نقش پایه و اساسی دارند، اثبات این دو علت و اعتقاد به ضرورت وجود آن ها برای پیدایش پدیده ها، ماهیت « از اویی» و «بسوی اویی» جهان خلقت را بیشتر از پیش نمایان می کند. بدون توجه به این دو علت نه می توان نیازمندی جهان به مبدأ هستی و آفریننده متعال را ثابت کرد و نه می توان غایتمندی جهان و هدف دار بودن آفرینش را توجیه کرد. بنابراین با توجه به اهمیت فوق العاده علت فاعلی و غایی ما در این تحقیق برآنیم تا این دو علت را از نظر دو فیلسوف بزرگ و تأثیر گذار یعنی ارسطو و ابن سینا بررسی کنیم و تفاوت های ظریف بین نظرات این دو فیلسوف را در مسائل مربوط به علت فاعلی و غایی آشکار کرده و به تصویر بکشیم زیرا همان طور که می دانیم ارسطو بنیان گذار حکمت مشاء است و اولین فیلسوفی است که مسائل مربوط به اصل علیّت و علت های چهارگانه را به طور منظم و منسجم دسته بندی کرده است به طوری که فلاسفه بعدی همه به نوعی از روش او پیروی کرده اند و در طرف دیگر ابن سینا است که بزرگ ترین فیلسوف مشائی عالم اسلام است. او که در روش و اصول کلی پیرو ارسطو است تلاش فراوان نمود تا در فضای فرهنگی عالم اسلام، با نوآوری و تحلیل های نوین، اشکالات باقیمانده در فلسفه ارسطو را به بهترین وجه

حل کند و حتی در بعضی موارد برای مسائل حل شده پاسخ های بهتری بیابد و مسائل جدیدی را مطرح کند که در فلسفه ارسطو سابقه نداشته است.

فصل اوّل

کلیّات و مفاهیم

۱-۱- بیان مسئله

مسئله مورد تحقیق بررسی علت فاعلی و غایی در فلسفه ارسطو و ابن سینا است. علت فاعلی و غایی جزو علل اربعه و از مهمترین آنها هستند. مسائل مربوط به علل اربعه و بطور کلی مسائل مربوط به علّیت از مهمترین مسائل فلسفی هستند. تمام متفکران و اندیشمندان در طول تاریخ با این مسائل مواجه بوده اند و مجبور بوده اند بنحوی موضوع خود را در قبال اصل علّیت و تعداد علل مشخص کنند. در میان فلاسفه ای که اصل علّیت را مورد پذیرش قرار داده اند ارسطو اولین کسی است که آنرا بصورت منظم و منسجم مورد بررسی قرار داد و عدد علل و نحوه ارتباط بین آن علل را مشخص کرد. اما علی- رغم تلاش فراوان او مسائل و ابهامات متعددی در تبیین روابط بین علل و مخصوصاً روابط بین علت فاعلی و غایی و همچنین نحوه علّیت خداوند و مسئله غایتمندی آفرینش باقی می ماند و قرن ها به همین صورت در فلسفه پیروان او تکرار می شود. در این میان ابن سینا که از پیروان فلسفه ارسطو است و بزرگ ترین فیلسوف مشائی عالم اسلام است با تلاش و جدیت و با بهره گیری از هوش سرشارش مسائل مربوط به علل اربعه و علت فاعلی و غایی را با دقت بررسی کرده و ایرادات مربوط به روابط علت فاعلی و غایی را برطرف می کند و مسائل مربوط به نحوه علّیت خداوند و غایتمندی آفرینش را به درستی و روشنی تبیین می کند. بنابراین بررسی مسائل مربوط به دو علت فاعلی و غایی و مقایسه دیدگاه ارسطو و ابن سینا در این مورد موضوع مهمی

است که می تواند نکات و تفاوت های ظریفی را در فلسفه آن ها روشن کند و افق های جدیدی را در برابر دیدگان خوانندگان و دوستداران فلسفه آن ها بگشاید.

۲-۱- هدف تحقیق

ما در این تحقیق بدنبال آن هستیم تا با بررسی دیدگاه ارسطو و ابن سینا در مسائل مربوط به علت فاعلی و غایی، نشان دهیم که بر خلاف ذهنیت موجود درباره تبعیت کامل ابن سینا از ارسطو، بین فلسفه ایشان بالاخص در مسائل مربوط به علت فاعلی و غایی، تفاوت های ظریف و مواضع اختلاف مهمی وجود دارد که در این موارد ابن سینا توانسته است با نبوغ ذاتی خود و با کمک گرفتن از پشتوانه دینی و ایمانی اش بسیاری از اشکالات و ابهامات مربوط به این مسائل را که قرن ها بطور مبهم و حل نشده باقی مانده بودند، حل کند و در بعضی موارد برای مسائل حل شده راه حل های جدید بیاورد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت بحث

ازدیرباز تا کنون همه تلاشهای علمی و عقلی بشر بر مبنای اصل علیت بوده است و همه پیشرفت هایی که در طی این قرون صورت گرفته مرهون این اصل بوده است به طوری که بدون اصل علیت نمی توان هیچ قانون کلی و عقلی را به اثبات رسانید. تجربه هایی که ما از جهان خارج بدست می آوریم و سپس آن ها را به موارد مشابه دیگر تعمیم می دهیم و با استفاده از آن ها قوانین کلی را اثبات می کنیم همه در سایه اعتقاد به اصل علیت صورت می گیرد. منکران اصل علیت و بالاخص تجربه گرایان همواره تلاش کردند که با استدلال های نارسای خود و پایین آوردن ارزش اصل علیت در سطح همزمانی صرف بین دو یا چند پدیده، از ارزش اصل علیت بکاهند اما غافل از این بوده اند

که با نفی اصل علیّت هم در دام شکاکیت مطلق گرفتار می شوند وهم در پس همه این حرف ها و استدلال ها به طور ضمنی و ناخودآگاه به اصل علیّت اعتراف کرده اند.

بعضی از این تجربه گرایان، مانند هیوم، ضرورت علی را نفی کرده اند و به طور صریح و روشن بیان کرده اند که رابطه بین علت و معلول ضروری نیست. آن ها به این نکته توجه نکرده اند که « نفی

ضرورت علی به طور قطعی و ضروری، خود قبول یک نوع ضرورت است» (خادمی، ۱۳۸۰، ۳۹۳)

بنابراین اصل علیّت و فروع آن از همان ابتدای تفکر بشر توجه فیلسوفان و اندیشمندان را به خود جلب کرده است و می توان گفت که قانون علیّت و معلولیت از لحاظ قدمت و سبقت جزء اولین مسائل و قوانین فلسفی بوده است .

رفته رفته تلاش برای پی بردن به علت پدیده ها و یافتن اصل و علت نخستین، توجه متفکران را از طبیعت به ماوراء طبیعت معطوف کرد. این توجه رشد یافت و کامل شد تا توانست در پس علت های متوسط و واسطه، یعنی علت هایی که خود معلول علت های ما فوق خود بودند، به علتی برسند که فراسوی آن علت دیگری نباشد و آن علت « علت العلل » و « علت اولی » همه موجودات است . به این ترتیب این متفکران با استفاده از اصل علیّت به مقصود خود رسیدند و به وجود صانع و آفریدگار و علت واقعی جهان هستی پی بردند .

در گذشته های دور و از زمانی که بشر در آغاز راه فلسفه و تفکر عقلانی بود، انسان حکیم در نظر آنان کسی بود که به علل پدیده ها علم داشت، بنابراین آن ها فلسفه را « علم العلل » می نامیدند. آنگونه که ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی می گوید « علمی که علل را بررسی می کند آموزنده تر از علوم دیگر است ، زیرا آموزگار کسی است که ما را به علل هر شیء واقف می سازد ... شناختن مبادی نخستین و علل ، مطلوبتر از شناختن همه موضوعات دیگر است زیرا همه موضوعات دیگر از

این ها و از طریق این ها شناخته می شوند نه اینکه خود این ها از طریق موضوعاتی فروتر از این ها شناخته شوند» (ارسطو، B، ۱۳۸۹، ۲۵)

بنابراین علم به اصل علیّت و معرفت درباره علت نهایی، آموزنده ترین علوم و شناختن آن مطلوب تر از همه موضوعات دیگر است. با این اوصاف کسی شایسته نام و عنوان حکیم است که علم به علل را بهتر از همه بشناسد و بتواند به دیگران آموزش دهد. به این ترتیب بدست آوردن دانش شناخت علت ها انگیزه اصلی فیلسوفانی شد که در پی شناخت عالم و مبدا آفرینش آن بودند.

اما در میان همه انواع علل، علت فاعلی و غایی از اهمیت بسزایی برخوردارند، این دو علت اهمیت ویژه ای در تبیین و اثبات نظام علی و معلولی جهان دارند به طوری که نادیده انگاشتن یا کم اهمیت جلوه دادن آن ها باعث تزلزل و یا نابودی اصل علیّت خواهد شد. بنابراین بدون توجه به این دو علت نمی توان اصل علیّت را در جایگاه رفیعش نشان داد.

اثبات علت فاعلی و غایی به ما نشان می دهند که جهان آفرینش و نظام هستی ماهیتی از اوئی و به سوی اوئی دارد، یعنی اگر موجودات جهان هستی وجود دارند، پس دارای مبدأ و علتی هستند که فاعل و غایت همه آن هاست. و از طرف دیگر برای این جهانی که سراسر تکاپو و حرکت است، و می کوشد تا به مقصد عالی خود برسد، مقصد نهایی و علت غایی خواهد بود. بنابراین خواهیم دید که این دو علت هم نیازمندی موجودات به علت العلل را ثابت می کنند و هم غایتمندی نظام آفرینش را نشان می دهند.

حال با توجه به اهمیت فوق العاده علت فاعلی و غایی، ما در این تحقیق برآنیم تا این دو علت را از نظر دو فیلسوف بزرگ و تأثیر گذار بررسی کنیم که یکی از این دو فیلسوف ارسطو است که بنیان گذار مکتب مشاء است و دیگری ابن سینا است که بزرگترین فیلسوف مشایی عالم اسلام است بررسی کنیم.

۴-۱- سوالات و فرضیه های تحقیق

در این تحقیق سعی ما بر این است که با بررسی دقیق علل اربعه و بالاخص علت فاعلی و غایی از نظر ارسطو و ابن سینا برای این سوالات پاسخ های دقیقی بیابیم.

۱- رابطه بین علت فاعلی و غایی در فلسفه ارسطو چگونه است؟

۲- نحوه فاعلیت خداوند و غایتمندی آفرینش در فلسفه ارسطو چگونه است؟

۳- رابطه علت فاعلی و غایی در فلسفه ابن سینا چگونه است؟

۴- ابن سینا چگونه نحوه فاعلیت خداوند را تبیین می کند؟

۵- ابن سینا چگونه اشکالات مربوط به رابطه علت فاعلی و غایی را برطرف می سازد؟

فرضیه ها: علت فاعلی و غایی در فلسفه ارسطو هریک از جهتی علت برای دیگریند.

خداوند در نظر ارسطو به عنوان علت غایی جهان مبدأ حرکت جهان نیز هست.

در فلسفه ابن سینا علت فاعلی و غایی بگونه ای است که علت فاعلی علت وجود علت غایی در

خارج است و علت غایی علت علیّت علت فاعلی است. خداوند از نظر ابن سینا علت فاعلی و علت

غایی جهان است.

۵-۱- متغیرها و واژه های کلیدی

علیّت، علل اربعه، تبیین های چهارگانه، علت مادی، علت صوری، علت فاعلی، علت غایی، وجود،

ماهیت، شیئیت، وجود خاص، فاعل، غایت، صورت، معلول

۱-۶- روش تحقیق

همچون اکثر تحقیقات علوم نظری تحقیق ما نیز با استفاده از منابع موجود در کتابخانه و از طریق مطالعه، فیش برداری، ترجمه و تلخیص مباحث مربوطه انجام شده است.

۱-۷- محدودیت ها و مشکلات تحقیق

از آنجایی که تحقیق ما بررسی علت فاعلی و غایی از نظر ارسطو و ابن سینا است، طبیعتاً لازم بود تا به اصل منابع مراجعه شود، اما همان طور که می دانیم کتب ارسطو به زبان یونانی نوشته شده اند و ما ترجمه های دست دوم یا دست سوم آن ها را در اختیار داریم که همین امر باعث پیچیده تر شدن موضوعات مورد بحث ما می شود بطوری که متن اصلی این ترجمه ها نیازمند به شرح و توضیح می باشند. علاوه بر این کم بودن آثار ترجمه شده از ارسطو و شارحان او باعث شده که پیدا کردن منابع مرتبط با بحث ما اندکی سخت تر شود. در طرف دیگر اکثر آثار فلسفی ابن سینا به زبان عربی نوشته شده اند که همین برای محققانی که به زبان عربی تسلط ندارند مشکلات فراوانی را پیش خواهد آورد چون که اکثر این آثار هنوز به فارسی ترجمه نشده اند و علاوه بر آن بسیاری از ترجمه های موجود خالی از اشکال نیستند.

۱-۸- تاریخچه بحث از علیّت

بحث از علیّت شاید سابقه ای به درازای تاریخ داشته باشد و بشر بدنبال آن بوده است که علت حقیقی و اصلی پدیده ها را بشناسد. در این میان فیلسوفان بیشتر از همه در این باره کوشش کرده اند. فیلسوفان یونان باستان (فلاسفه ی پیش از سقراط) جهان و پدیده های آن را امری مادی و طبیعی می دانستند و معتقد بودند که علت اصلی و حقیقی جهان نوعی ماده است بنابراین آن ها عموماً بدنبال

شناخت « ماده‌المواد»ی بوده اند که جهان از آن تشکیل شده است. این « فیلسوفان طبیعی در برابر نمایش عظیم کون و فساد اشیاء رنگارنگ محسوس به حیرت افتاده و برانگیخته شده بودند. این جوهر نامتناهی چیست که همه چیز از آن پدید می‌آید و به آن بر می‌گردد؟» (یگر، ۱۳۷۶، ج ۱، ۲۳۱) یعنی آن‌ها بدنبال شناختن اصل و مبداءیی بوده اند که همه اشیاء و پدیده‌ها از آن تشکیل شده اند. آن‌ها علت نهایی تشکیل دهنده جهان را نوعی علت مادی می‌دانستند، چون که می‌دیدند در همه پیدایش‌ها، حرکت‌ها، رشد و نموها یک اصل مادی وجود دارد که در جریان این تغییرات ثابت می‌ماند، بنا براین چنین به نظرشان رسید که ماده پایدارترین چیزهاست، به همین دلیل علت اصلی و مبداء همه چیز را نوعی ماده تصور می‌کردند که پایدار است و از بین نمی‌رود.

البته این سخن به این معنا نیست که این فیلسوفان از بین چهار علت ارسطویی فقط به علت مادی توجه نشان داده اند و یا اینکه فقط علت مادی را پذیرفته اند بلکه بیانگر این است که تبیین آن‌ها از علل اشیاء و پدیده‌ها، به آن چیزی نزدیک است که ما تبیین بر اساس علت مادی می‌نامیم.

این فیلسوفان هر یک ماده ای را بعنوان ماده‌المواد تشخیص دادند. «طالس "آب" را زیر نهاد و ماده‌المواد همه اشیاء می‌دانست. آناکسیمندر این عنصرِ اولی را "نامتعین" تشخیص داد. از نظر آناکسیمنس این عنصر نه آب و نه نامتعین است بلکه "هوا" است.» ر.ک (کاپلستون، ۱۳۸۰، ج ۱، ۳۶، ۳۴ و ۳۲)

فیلسوفان بعدی نیز هر یک بیان‌های متفاوت از ماده‌المواد یا همان علت مادی بدست دادند. هراکلیتوس «آتش» را ماده‌المواد می‌دانست و آناکساگوراس آن را «شماری نامحدود از انواع ماده» تشخیص داد، یعنی در نظر او «جای ماده نخستین واحد را، عده ای بی‌شمار از ماده‌های نخستین گرفته است که به طور نامحدود پراکنده اند» (گمپرتس، ۱۳۷۶، ج ۱، ۲۳۴) این ماده‌های نخستین از طریق تکان و حرکتی نخستین از هم جدا شده و هر یک مطابق با وزن مخصوص خود در منطقه ای

از عالم جایگزین شدند. آناکساگوراس برای تعلیل این رویداد مجبور است به چیزی متوسل شود که عامل این حرکت و تکان است، او این عامل را «نوس» می نامد.

از نظر امپدوکلس ماده‌المواد جهان «عناصر اربعه»ی آب، هوا، آتش و خاک هستند که توسط دو قوه «مهر» و «ستیز» یا «عشق» و «کین» با هم در نسبت های مختلف ترکیب می شوند و باعث پیدایش اشیاء جدید می شوند.

بنابراین علت مادی اولین علتی است که از سوی فیلسوفان قدیم یونان مورد پذیرش و توجه قرار گرفته است. به گفته ارسطو: « قدیمی ترین فیلسوفان ، مبدأ نخستین را جسمانی می دانند (زیرا آب و آتش و این قبیل اشیاء جسمند)؛ به عقیده گروهی از اینان تنها یک مبدأ جسمانی وجود دارد در حالی که گروهی دیگر به وجود مبادی جسمانی متعدد قایلند؛ ولی هر دو گروه مبدأ را مادی می- دانند.» (ارسطو، ۱۳۸۹B، ۴۱)

بعضی از متفکران قدیم یونان با دقت و تحقیقات بیشتر متوجه شدند که علاوه بر علت مادی باید علت دیگری در کار باشد تا وجود ، حرکت ، کون و فساد و واقعیات جهان را بر مبنای آن توجیه کنند. آن ها متوجه شدند که عناصر جهان نمی توانند علت حرکات خود و علت تغییرات خود باشند، و اصولاً ماده نمی تواند علت تغییرات و دگرگونی در خود باشد، مثلاً یک چوب نمی تواند علت تبدیل شدنش به یک تخت باشد، بلکه علت دیگری باید در کار باشد که مبدأ حرکت و تغییر باشد. این مبدأ از نظر آنان «مبدأ حرکت» بود یعنی همان چیزی که ما آنرا «علت فاعلی» می نامیم. « به اعتقاد ارسطو ، امپدوکلس نخستین کسی است که با تلقی «مهر و ستیز» به عنوان علت هایی که غیر از علت مادی هستند و در پیدایش یک پدیده نقش دارند ، به علت فاعلی توجه نشان داده است.» ر.ک (ارسطو، ۱۳۸۹، ۴۷B) یعنی امپدوکلس با اعتقادی که به دو قوه «مهر» و «ستیز» داشت و آن ها را بعنوان نیروهای محرکه سبب تجزیه و ترکیب و پیدایش اشیاء جدید می دانست به تصویری از علت